

## پیشگفتار چاپ پنجم

شعر فارسی به عنوان پدیده ادبی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی مردم سرزمین ما که زندگی و تاریخ دیرپای و پرحادثه، ذوق و زبان آنها را صیقل داده؛ درخور تأمل است.

تنوع شکل، گستردگی موضوع و تحول زبان شعر، مطالعات دقیق، ریشه‌ای و آواشناسانه‌ای را می‌جوید. افزون بر این، تأمل در دگرگونی زبان فارسی در گذر تاریخ و در پی آن در عناصر زبانی وزن، بسیاری از گره‌های وزن و آهنگ شعر را به گونه‌ای علمی می‌گشاید.

با آنکه شعر فارسی در سده‌های مختلف و متفاوتی سروده شده است، اما مطالعه وزن آن در کتابهای وزن‌شناسی شعر به یکباره و فارغ از طبقه‌بندی ادوار تاریخی و تحول زبان و واژگان آن انجام می‌گیرد. به سخن دیگر، مطالعه وزن شعر به رغم دگرگونیهای زبانی و آوایی در ادوار گذشته، با معیارهای امروزی زبان صورت می‌پذیرد و پژوهندگان را ناگزیر به آوردن اصطلاحاتی خودساخته می‌کند. اختیار چنین شیوه‌ای با روش و منش علمی ناسازگار و ابهام‌آفرین است.

در بررسی قافیه نیز آنچه بی‌هیچ تأمل تاریخی به عنوان عیب قافیه شمرده و نقد و تحلیل می‌شود، در واقع داوری ناسخته‌ای از واژه‌هایی است که در گذر زمان دگرگونی آوایی پذیرفته‌اند و از این روی اگر با خوانش امروزی در نظر گرفته شوند، عیناک می‌نمایند؛ هرچند با خوانش تاریخی و کهن، عیبی متوجه آنها نباشد. در شرح چنین مواردی که با معیارهای زبانی امروز، معیوب می‌نمایند باید همچنان که در کتاب حاضر می‌بینیم، به تحول تاریخی زبان نیز نیم‌نگاهی داشت.

دیگر اینکه هر زبان، شاخصه‌های آوایی ویژه‌ای نیز دارد و نمی‌توان قواعد آوایی یک زبان را یکباره و نااندیشیده به زبانهای دیگر تعمیم داد. به نظر نگارنده، خاستگاه بخشی از ابهام‌زاییهایی که در زمینه وزن شعر به ویژه در کتابهای کهن وجود دارد نادیده انگاشتن این اصل زبانی است که در این کتاب به موارد مرتبط با وزن و قافیه شعر آن، اشاره شده است.

کوتاه سخن اینکه می‌توان موضوعات پیش‌گفته را با عنوان تاریخ وزن شعر فارسی بررسی کرد و تحقیقات مستقلی را به آن اختصاص داد.

در پایان، یادآوری می‌شود در این چاپ سه بخش واژه‌نما، نام‌نما، سرآغاز بیتها که در چاپ اول مجال تهیه آنها نبود به کتاب افزوده شده است. بر خود لازم می‌دانم از همه بزرگواران و فرزانه‌گانی که در سازمان سمت، با صبر و شکیبایی و دقت و درایت برای چاپ و انتشار کتاب کوشیده‌اند سپاس‌گزاری نمایم و از یگانه هستی برای همگان آرزوی توفیق دارم. *بِعَوْنِهِ وَ مَنِّهِ وَ كَرَمِهِ.*

محمود فضیلت

تهران، فروردین ۱۳۸۸